

در جستجوی اهمیت و بزرگی

بخش نخست

از کشیش تَت استیو آرت

سؤال تکان دهنده

«شما چرا خدمت می‌کنید؟» این سؤال توجه مرا جلب کرد. البته من بر این باور بودم که به این علت خدمت می‌کنم که از سوی خدا دعوت شده‌ام؛ اما این سؤال را نمی‌توانم با چنین پاسخ ساده‌ای کنار گذاشت. شخصی که سؤال می‌کرد، موضوع را عمیق‌تر شکافت و پرسید: «انگیزه‌تان از خدمت چیست و می‌خواهید از طریق آن به چه چیز برسید؟» سپس هدف اصلی سؤالش را مطرح کرد: «آیا از خدمت به عنوان وسیله‌ای برای احساس بزرگی و اهمیت استفاده می‌کنید؟» از این نکته تکان خوردم! هرگز فکر نکرده بودم که چنین چیزی نیز امکان دارد.

نیاز ما به احساس اهمیت

در این شماره، مجموعه جدیدی را آغاز می‌کنم که به شما کمک خواهد کرد تا درک کنید که چگونه در جستجوی احساس اهمیت و بزرگی هستید و خدا چگونه می‌خواهد این

نیاز عمیق قلبتان را برآورده سازد تا مسیح را بهتر در این جهان خدمت کنید. آنچه مرا بر انگیزت تا نتیجه تحقیقاتم را برای شما بنویسم، مواردی است که در زندگی بسیاری از برادران و خواهران همسنگرم دیده‌ام.

آیا از خدمت به عنوان وسیله‌ای برای حس بزرگی و اهمیت استفاده می‌کنید؟

مسئله اینجاست که تا دقیقاً ندانیم که دعوت خدا برای زندگی ما چیست، و تا واقع‌بینانه انگیزه‌های جسمانی خود را از خدمت نبینیم، همواره شاهد خادمینی خسته‌خاطر و نومید خواهیم بود که دائماً با یکدیگر رقابت می‌کنند. همواره شاهد این خواهیم بود که برگزیدگان خدا همسنگران خود را مورد حمله قرار می‌دهند، بدون اینکه تشخیص دهند در پس

عملشان چه عللی وجود دارد.

خصوصیات دعوت الهی

وقتی می‌گوییم که «خدا ما را به خدمت خوانده است»، منظورمان چیست؟ خدا ما را فرا می‌خواند تا به واسطه عیسی مسیح با او ارتباط داشته باشیم، و از طریق این ارتباط، هدایت او به خدمت بخصوصی جاری می‌شود (افسیان ۲: ۱۰) و ما را بسوی وظایفی خاص رهنمون می‌گردد و ما را بوسیله روح القدس برای آن مجهز می‌سازد (اول قرنتیان ۱۲: ۲-۶). او اغلب از کسانی دعوت می‌کند که قدرت خود را برای انجام خواست او کاملاً ناکافی می‌بینند. بنابراین، از ما می‌خواهد که برای انجام اراده‌اش، با اطاعت تسلیم او و روشهای او گردیم. همچنین از ما می‌خواهد تا معیارهای او را برای موفقیت بپذیریم. معیارهای خدا به گونه‌ای بنیادین با معیارهای این جهان تفاوت دارد. آنچه او می‌طلبد، (ص ۹)

(ص ۱ ❁)

تقدس و وفاداری و روحیه خدمت است. معیار حیاتی دیگر این است که دعوت به خدمت دو بخش دارد. بخش اول آن هدایت درونی است که خادم خداوند در درون خود احساس می‌کند؛ بخش دیگر، تأیید آن دعوت از سوی بدن مسیح یعنی کلیساست. در چنین شرایطی، انگیزه بروشنی این است که از طریق اطاعت از کلام مسیح و پیروی از روشهایش، باعث جلال او گردیم.

انگیزه‌های پنهان

اکنون که به اتفاق هم می‌کوشیم انگیزه‌های خودمان را از خدمت درک کنیم، می‌خواهم شما را با روشی آشنا کنم که شاید برای استان تازگی داشته باشد و به کمک این روش می‌توانیم کشف کنیم که چرا در خدمت هستیم.

گاه بجای اینکه «دعوت شده باشیم»، شاید بسوی خدمت کشیده شده‌ایم»، یعنی «بجای دعوت اصیل الهی، بوسیله انگیزه‌هایی گناه‌آلود یا جسمانی بسوی خدمت سوق داده می‌شویم»

دعوت به خدمت از جانب خداست؛ این بدین معناست که او پیشاپیش ماست و ما را بسوی خود و هدفش برای ما هدایت می‌کند. اما گاه بجای اینکه «دعوت شده باشیم»، شاید بسوی خدمت «کشیده شده‌ایم»، یعنی «بجای دعوت

اصیل الهی، بوسیله انگیزه‌هایی گناه‌آلود یا جسمانی بسوی خدمت سوق داده می‌شویم». در طول بیش از سی سال خدمت شبانی، چهار نیرو را تشخیص داده‌ام که شخص را بسوی خدمت «می‌کشند»؛ این نیروها بالقوه قادرند دعوت خدا را در زندگی و قلبمان ویران سازند.

روحیه رقابت

یوحنا رسول روحیه رقابت را در شخصی بنام دیوترفیس تشخیص داد. در سوم یوحنا ۹، او می‌فرماید: «به کلیسا چیزی نوشتم لکن دیوترفیس که سرداری بر ایشان را دوست می‌دارد، ما را قبول نمی‌کند.» سپس در آیات بعدی، اشاره می‌کند که این شخص غیبت می‌کند و آنانی را که با او هم‌نظر نیستند به مشارکت نمی‌پذیرد، و مخالفان خود را از کلیسا بیرون می‌کند. ریشه رقابت در این است که درک نکرده‌ایم که اهمیت خود را چگونه باید در خدا و در خدمتی که ما را به آن فرا خوانده است، بیابیم. خدا نمی‌خواهد به دیگران نگاه کنیم و با مقایسه خود با آنان، به قضاوت در مورد هویت خود بنشینیم. در یوحنا ۲۱:۲۱-۲۲، پطرس از عیسی پرسید: «ای خداوند، و او چه شود؟» عیسی در پاسخ فرمود: «تو از عقب من بیای!» همیشه کسی خواهد بود که از من و شما موفق‌تر باشد و اگر قرار باشد خود را با او مقایسه کنیم، دچار حسادت و نفرت خواهیم شد. یک نشانه واقعی از اینکه از سوی خدا دعوت شده‌ایم و دعوت او را پیروی می‌کنیم این است که از موفقیت دیگران و از اینکه برای ملکوت خدا میوه می‌آورند، شاد شویم.

در جستجوی خود برای احساس اهمیت، از خدا بخواهید که هر نوع روحیه رقابت را از وجودتان بزداید. بجای احساس نفرت و کینه از موفقیت دیگران، بکوشید از ایشان درس بیاموزید. خادمانی را که مورد برکت خدا هستند ملاقات کنید و علت موفقیت آنان را کشف نمایید.

روحیه انتقاد

انتقاد راه گناه‌آلود دیگری است برای بزرگ ساختن خویشتن و احساس اهمیت. من پی برده‌ام که آنانی که بیش از دیگران انتقاد می‌کنند، معمولاً بیش از دیگران احساس ناامنی درونی می‌کنند. آنان هنوز پی نبرده‌اند که کلام خدا در باره ایشان چه می‌گوید، لذا برای احساس اهمیت و بزرگی به روشهای گناه‌آلود متوسل می‌شوند. پولس رسول شدیداً ما را از انتقاد برحذر می‌دارد.

آنانی که بیش از دیگران انتقاد می‌کنند، معمولاً بیش از دیگران احساس ناامنی درونی می‌کنند

می‌فرماید: «هیچ سخن بد از دهان شما بیرون نیاید، بلکه آنچه به حسب حاجت و برای بسا نیکو باشد تا شنوندگان را فیض رساند» (افسسیان ۴:۲۹). ما در مقام خادمان خداوند دعوت شده‌ایم تا آنانی را که در گناه زندگی می‌کنند تسوییح کنیم، اما بگذارید توصیه (ص ۱۲)

(ص ۹ ❁)

این رسول بزرگ را به تیموتاؤس پیروی کنیم که می‌فرماید خادم خدا باید «با حلم مخالفین را تأدیب نماید که شاید خدا ایشان را توبه بخشد تا راستی را بشناسند» (دوم تیموتاؤس ۲: ۲۵). انتقاد و عیب‌جویی ناشی است از احساس عدم امنیت ما، اما تأدیب و نصیحت پرمهر همراه است با اشکهای محبت برای خدا و گله‌اش.

در جستجوی خود برای اهمیت واقعی و الهی، از خدا بخواهید تا روحیه انتقاد را از شما بردارد و آن را با روحیهٔ مهربان و پذیرا جایگزین سازد. خدا ما را در مسیح پذیرفته است، و برای اینکه نشان دهیم که عیسی را می‌شناسیم، کدام راه بهتر از اینکه ما نیز دیگران را بپذیریم؟

آنان خیلی علاقه دارند که حتماً افتخار کارها نصیب خودشان شوند و به عناوین و احتراماتی که شایستهٔ خود می‌دانند، بسیار حساسند

روحیهٔ جاه‌طلبی

جاه‌طلبی راه گناه‌آلود دیگری است برای دستیابی به احساس بزرگی و اهمیت. آنانی که دچار این بلا هستند، نیاز دارند که دیگران را تحت تأثیر موفقیت‌های خود قرار دهند و هر چه بیشتر در بارهٔ خود سخن گویند. این دست از افراد خیلی علاقه دارند که حتماً افتخار کارها نصیب خودشان شوند و نسبت به

عناوین و احتراماتی که شایستهٔ خود می‌دانند، بسیار حساسند. ایشان بیشتر به تأیید و تکریم مردم علاقمندند تا تأیید خدا. پولس رسول درک خود را از این امر اینچنین ابراز می‌دارد: «طالب رضامندی مردم نیستیم، بلکه رضامندی خدایی که دل‌های ما را می‌آزماید» (اول تسالونیکیان ۴: ۲). عیسی نیز در بارهٔ جاه‌طلبی و خودبزرگی بینی هشدار داد و فرمود: «هر که خود را بلند کند پست گردد، و هر که خود را فروتن سازد سرفراز گردد» (متی ۲۳: ۱۲). فروتنی در کسانی دیده می‌شود که راه خدا را برای دستیابی به بزرگی و اهمیت کشف کرده‌اند.

در جستجوی خود برای تکریم واقعی و الهی، از خدا بخواهید که هر نوع جاه‌طلبی را از قلبتان بزداید. بهترین راه برای انجام این کار، این است که طرز فکر مسیح را از فیلیپیان ۲: ۱۱-۵ بخوانید. آزادی کامل زمانی حاصل می‌گردد که خشنودی خدا را بیش از هر چیز دیگری طالب باشید.

روحیهٔ ستیزه‌جویی

شخصی که روحیهٔ ستیزه‌جویی دارد، معمولاً اغلب در حال منازعه است، زیرا زمانی احساس ارزش و بزرگی می‌کند که همه چیز تحت کنترلش باشد. واکنشش در مقابل کسانی که با او مخالفند، این است که آنان را دشمن خود بپندارد. ممکن است به این موضوع نیز حالتی روحانی ببخشد و بگوید که آنانی که ریاست و رهبری او را نمی‌پذیرند از شیطانند. خدمت او همواره آکنده است از مشکلات در روابط زیرا برای کار کردن با چنین شخصی فقط یک راه وجود دارد و آن

این است که همیشه حق را به او بدهند و کنترل همه چیز را به او بسپارند. واقعیت تلخ این است که آن احترامی که این شخص آرزویش را می‌کشد، هرگز تحقق نمی‌یابد، زیرا هر چه بیشتر مبارزه می‌کند، دیگران بیشتر از او دور می‌شوند.

شخص ستیزه‌جو می‌پندارد که با حفظ کنترل بر دیگران، احترام ایشان را بدست می‌آورد، حال آنکه آن را از دست می‌دهد

اما پسند پولس چقدر متفاوت است که می‌فرماید: «اگر ممکن است، به قدر قوهٔ خود با جمیع خلق به صلح بکوشید. ای محبوبان، انتقام خود را مکشید... مغلوب بدی مشو بلکه بدی را به نیکویی مغلوب ساز» (رومیان ۱۲: ۱۸-۲۱). شخص ستیزه‌جو حس اهمیت و بزرگی را در راه‌های نادرست می‌جوید زیرا می‌پندارد که با حفظ کنترل بر دیگران، احترام ایشان را بدست می‌آورد، حال آنکه آن را از دست می‌دهد.

در جستجوی خود برای حس اهمیت و بزرگی واقعی، آیا مایلید نیروی خود را در تسلیم و شکستگی در مقابل مسیح بیابید؟ در اینصورت، روحیه خدمتگزاری و این اعتماد درونی را خواهید یافت که متعلق به اوید.

در شمارهٔ بعدی، به بررسی این نکته خواهیم پرداخت که دنیا در بارهٔ دستیابی به حس بزرگی چه تعلیم می‌دهد. ■

سرسخن

همسنگران عزیز در خداوند،

دعا می‌کنیم تا کریسمس امسال برکات مسیح را برای شما و خانواده‌تان به ارمغان بیاورد؛ تا شادی فرشتگان را حس کنید که می‌سرایند و اعلام می‌داشتند که اینک صلح می‌تواند بر زمین حکمفرما شود؛ تا قدرت دگرگون‌کننده مسیح را در زندگی خود مشاهده کنید، همانگونه که شبانان با دیدن عیسای نوزاد مشاهده کردند؛ و تا هدایت روح القدس را درک کنید، همچنانکه مجوسیان درک کردند و آن نور مقدس را دنبال نمودند.

ضمن آمادگی برای کریسمس، با موقعیتی استثنائی روبرو هستید تا پیام مسیح را با هموطنان خود در میان بگذارید، زیرا در کریسمس قلب مردم گشوده‌تر است و خیلی‌ها به کلیساهای ما خواهند آمد. دعا کنید تا نور آسمانی بار دیگر بتابد و مردم را بسوی مسیح هدایت کند. ماجرای ولادت مسیح را باز بخوانید و از خدا بخواهید تا الهامات جدیدی به شما بدهد تا بتوانید با قلبی پرشور موعظه‌ای جدید آماده کنید. بار دیگر به این نکته توجه کنید که در این ماجراها چه کسانی از آمدن مسیح غافل ماندند. صاحب مسافرخانه آنقدر مشغول بود که نتوانست ببیند چه کسی ممکن بود در آنجا چشم به جهان بگشاید. هیرودیس پادشاه آنقدر به فکر حفظ قدرتش بود که نفهمید شاه شاهان به دنیا آمده است. رهبران یهود که کتب مقدسه را می‌دانستند و می‌توانستند محل ولادت مسیحی موعود را به هیرودیس خبر دهند، آنقدر مغرور بودند که به محل تولد نوزاد نرفتند تا ماجرا را به چشم خود ببینند. عزیزان، بکوشید امسال مفهوم کریسمس را در اثر کار و خدمت زیاد از یاد نبرید. وقتی را صرف کنید تا سری به بیت‌لحم بزنید و ببینید که خدا برای شما چه کرده است. وقتی در مقابل گهوارة عیسی زانو می‌زنید، توجه کنید که به چهره خدای قادر مطلق و خالق و نجات‌دهنده‌تان می‌نگرید، و اجازه دهید محبتتان به او فروزانتر گردد. به آن دستهای کوچک چشم بدوزید و به یاد آورید که آنها بخاطر گناهان من و شما سوراخ خواهند شد؛ بیایید بخشایش او را یک بار دیگر تجربه کنیم. آنگاه برخیزید و با قدرت روح القدس بروید تا اعلام کنید که «خدا با ماست!»

همگی ما در مجله **شبان** برایتان بهترینها را در جشن میلاد مسیح آرزو کرده، دعا می‌کنیم که سال جدید برایتان دید و عشق جدیدی برای خدمت به خداوند عیسی مسیح به ارمغان بیاورد. باشد که موفقیت‌هایتان باعث شود که خداوند عیسی را بستانید، و شکست‌هایتان سبب گردد که بر روی زانوهاروی او را بطلبید که او به تمام کسانی که با ایمان او را می‌جویند نزدیک است.

«لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است، زیرا هر که تقرب به خدا جوید، لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد» (عبرانیان ۱۱:۶).

خداوند شما را برکت بدهد.

تت استیوارت

سر دبیر

مطالب این شماره:

- در جستجوی اهمیت و بزرگی (بخش ۱) (تت استیوارت) ص ۱
- نگرش کتاب مقدس به طلاق (بخش ۸) (تت استیوارت) ص ۳
- کریسمس و خادمین ص ۴
(ایرج همتی)
- جوش غرور جوانی (بخش ۶) (نینوس مقدس‌نیا) ص ۵
- وعده‌هایی ندهیم که خدا نداده است (بخش ۲) (آرمان رشدی) ص ۷
- طرح کلی برای تهیه موعظه (تت استیوارت) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.

P.O. BOX 471736

Aurora, Colorado 80047-1736

U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11

Fax: +1-303-873 62 16

tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت

می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر

خادمینی را که این مجله به دستشان نمی‌رسد،

به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز

ارسال گردد.

وظایف شبان در کتاب مقدس



نگرش کتاب مقدس نسبت به طلاق

نوشته کشیش تیت استیو آرت

(عبرانیان ۱۳:۴).
 ۳- با هم در صورت خدا: زن و مرد با هم صورت خدا را منعکس می‌سازند (پیدایش ۱:۲۷) و ازدواج وسیله‌ای است برای تقدیس متقابل.
 ۴- تولید مثل: خدا ازدواج را مقرر فرمود تا فرزندان تولید شوند و در محبت او پرورش یابند (پیدایش ۱:۲۸).
 ۵- تصویر مسیح و کلیسایش: ازدواج باید تصویری باشد از ارتباط پرمحبت و پرشکوه میان مسیح و «عروسش» که در آن، شوهر همسر خود را همانطور محبت می‌کند که مسیح کلیسا را محبت نمود (افسیسیان ۵:۳۱-۳۳).

ازدواج یک «عهد» است

در ملاکی ۱:۲، خدا اعلام می‌دارد که از طلاق متنفر است! برای درک علت این (☞ صفحه ۱۰)

فرمولی ارائه داد که در تمامی موارد کاربرد داشته باشد، اما می‌توانیم آن دسته از اصول کتاب مقدس را بررسی کنیم که عمومی و فراگیر هستند؛ وقتی به این اصول و تعالیم مجهز شدیم، می‌توانیم به خدای روح القدس اعتماد کنیم که ما را هدایت کند و به کار ببرد.

ماهیت ازدواج

نخست باید به ماهیت منحصر به فرد ازدواج پردازیم چرا که آن را خدا برای تمامی بشر و برای اهدافی خاص مقرر فرمود.
 ۱- رفاقت: خدا دید که آدم تنهاست و و اعلام داشت که این تنهایی خوب نیست (پیدایش ۲:۱۸).

۲- خوشی صمیمیت: خدا خوشی رابطه جنسی را برای بشر مقرر فرمود و آن را در محدوده ازدواج نیکو اعلام داشت

امروزه، بسیاری از ازدواج‌ها دچار مشکل است و شبانان خود را در مشکلات این خانواده‌های زخم‌دیده درگیر می‌بینند، اما تعداد کمی از آنان خود را برای حل مسائل مجهز می‌یابند. در این شرایط، احساسات طرفین درگیر بسیار پرتنش است و این امر جای کمی برای منطق و راه‌حل‌های کتاب مقدسی برای بحران باقی می‌گذارد. خانواده‌ها و دوستان نیز اغلب زوج درگیر را تحت فشار قرار می‌دهند که از هم جدا نشوند بدون اینکه به ریشه مشکلات پردازند؛ این خود سبب می‌شود که زخم و خشم بیشتری انباشته شود. در این شرایط، شبان چه باید بکنند؟ خدا چه امیدی ارائه می‌دهد؟

بسیار ضروری است که نخست بدانیم تعلیم کتاب مقدس در خصوص طلاق چیست. گرچه غیرممکن است که

❖ (صفحه ۳)

تنفر باید نخست هسته مرکزی تعلیم در باره ازدواج را بررسی کنیم. ازدواج «قرارداد» نیست، بلکه «عهد» است. قرارداد برای این منظور نوشته می‌شود تا حقوق طرفین را در صورت عدم اجرای تعهدات حفظ کند؛ قرارداد ممکن است سندی مشروط باشد. به عبارت دیگر، در یک قرارداد، هر طرف متعهد می‌شود به تعهدات خود عمل کند تا زمانی که طرف مقابل نیز چنین کند. اما عهد بر اساس پاسخگویی به خدا بسته می‌شود، و بدون توجه به اینکه طرف دوم چه می‌کند، طرف اول باید به تعهدات خود عمل کند (ملاکی ۱۴:۲). از اینروست که طرفین ازدواج به‌هنگام جاری شدن صیغه عقد می‌گویند: «تا مرگ ما را از هم جدا کند»؛ حلقه ازدواج نیز مظهر این عهد بدون خاتمه است. از آنجا که خدا ازدواج مسیحی را مقرر ساخته تا بازتابی از عهد خودش با کلیسا باشد، متنفر است ببیند که آن با شکست روبرو می‌شود.

سایر علل نفرت خدا از طلاق

● **ضرورت فروتنی:** دلایل دیگری برای تنفر خدا از طلاق وجود دارد؛ یکی آن است که او می‌داند که اکثر ازدواج‌های مسیحی می‌توانند از شکست نجات یابند اگر شوهر و زن خود را در

مقابل او فروتن سازند و احکامی را که او در کلام مقدسش تعیین فرموده، رعایت کنند. ملاکی با اندوه می‌فرماید: «خداوند شمارا با یکدیگر پیوند داد و شما در نظر او یک تن شدید... پس مواظب باشید که به همسر خود خیانت نکنید» (ملاکی ۱۵:۲، ترجمه تفسیری).

● رابطه با خدا: رابطه زناشویی

همیشه منعکس‌کننده سلامت روحانی زن و شوهر است. هر چقدر آنها به خدا نزدیکتر شوند، با یکدیگر نیز صمیمی‌تر خواهند شد (اول یوحنا ۴:۱۲). عکس این نیز صادق است؛ یکی از نخستین نشانه‌های تضعیف رابطه ازدواج، کمبود اشتیاق برای دعا کردن با هم و پرستش خدا بصورت دو نفری است. آدم و حوا وقتی گناه کردند، خود را از خدا و از یکدیگر پنهان ساختند.

● پیوندی جدانشدنی:

علت دیگر نفرت خدا از طلاق مربوط به ماهیت خود ازدواج می‌شود. عیسی در باره ازدواج فقط یک بار تعلیم داد، اما همان یک مورد حاوی اساسی‌ترین حقیقت در این زمینه می‌باشد. او فرمود: «از آن جهت باید مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، بازن خویش بپیوندد، و این دو یک تن خواهند بود، چنانکه از آن پس دو نیستند بلکه یک جسد. پس آنچه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند» (مرقس ۷:۱۰-۹). ازدواج طوری مرد و زن را به

● ننگ روحانی: و بالاخره، باور

من این است که طلاق باعث لکه‌دار شدن نام خداست زیرا با این کار می‌پذیریم که نجات‌دهنده بزرگ و پادشاه ما قادر نبود که دو تن از فرزندان خود را شفا بخشد و در کنار هم نگاه دارد. ازدواج از هم پاشیده هم خانواده را تضعیف می‌کند و هم کلیسارا که عروس مسیح است.

عزیزان، دعوت ما این است که به ازدواج‌های شکست‌خورده امید ببخشیم و این امید از خود مسیح ناشی می‌شود که ما را فرا می‌خواند تا نزد او برویم. «بیاید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران (از مشکلات ازدواج) و من شمارا آرامی خواهم بخشید» (متی ۱۱:۲۸).

در شماره آینده، تعلیم کتاب مقدس را در مورد طلاق و ازدواج مجدد بررسی خواهیم کرد. ■

کریسمس و خادمین



از کشیش ایرج همتی (دالاس، آمریکا)

می‌شناسیم. برای او امسال چه هدیه‌ای می‌آوریم؟ مسیح آمد نه تا آنکه ما او را خدمت کنیم، بلکه تا او ما را خدمت کند. در مقابل این محبت پرشکوه، چه هدیه‌ای می‌توانیم به او تقدیم کنیم؟ تمام قلبمان را؟ محبت خود را؟ وقت خود را؟ پول خود را؟

اعلام مژده آمدن او

در روزی که عیسی چشم به این جهان گشود، فرشتگان مژده آمدن او را اعلام داشتند. فرشته‌ها می‌دانستند چه کسانی به این مژده نیاز دارند. آیا ما متوجه نیاز دیگران هستیم؟ آیا توجه داریم که همسرمان، فرزندانمان، والدینمان، دوستان و خویشانمان به فیض و محبت مسیح نیاز دارند؟ کریسمس، جشن ولادت عیسی مسیح، بهترین فرصت است تا این پیام نجات‌بخش را به اطرافیان خود اعلام کنیم.

بباشد که عید میلاد مسیح امسال فرصت خوبی باشد برای جای دادن بیشتر مسیح در وجود خود، پرستش او در زندگی شخصی‌مان، تقدیم بهترین هدیه به او، و اعلام مژده نجات او. ■

معنایی دارد؟ آیا برای او جای جدیدی در زندگی و خدمت و کلیسایمان باز می‌کنیم؟ آیا بهترین اتاق مسافرخانه‌مان را به او می‌دهیم یا به مشغله فراوان خدمت؟

پرستش واقعی

وقتی عیسی مسیح متولد شد، معجزه عجیبی صورت گرفت، یعنی آسمان باز شد و فرشتگان ظاهر شدند و خدا را حمد و ستایش گفتند. چوپانان دشتهای اطراف نیز او را ستایش کردند. مجوسیان هم از دوردستها برای پرستش او آمدند.

همسنگران عزیز، اجازه ندهیم مشغله و زیادی خدمت، شخص ما را از تفکر به کار عجیبی که خدا برای ما کرده باز دارد. در هر وضعیتی که هستیم، به یاد بیاوریم که عیسی مسیح برای «شخص من» هم آمده، نه فقط برای کسانی که خدمتشان می‌کنیم. اجازه بدهیم روحیه شکرگزاری و پرستش در این روزهای مقدس، زندگی شخصی ما را نیز فرا بگیرد.

هدیه به خداوند

وقتی مجوسیان به ملاقات عیسی نوزاد آمدند، نه فقط او را پرستیدند، بلکه هدایا نیز به او تقدیم کردند. اما ما امروز خیلی بیشتر از مجوسیان مسیح را

کریسمس یا جشن میلاد مسیح برای هر کس معنایی متفاوت دارد. برای بعضی، این روزها فرصتی است برای کار کردن بیشتر و کسب درآمد بیشتر؛ برای بعضی دیگر، وقت عیش و نوش و شب‌نشینی است؛ برای عده‌ای دیگر نیز وقتی است برای به یاد آوردن عزیزانی که در طول سال گذشته از دست داده‌اند. عده خیلی کمی هستند که به یاد بیاورند که این جشن، جشنی است به یاد ولادت نجات‌دهنده عالم. روز کریسمس برای مسیحیان واقعی معنای خاصی دارد. برای ایشان کریسمس تجلی محبت خدا نسبت به بشر می‌باشد. برای ایشان کریسمس زمانی است که برای نشان دادن محبت خودشان به خدا.

جا برای مسیح

هنگامی که عیسی تولد یافت، در مسافرخانه بیت لحم برای او و خانواده‌اش جایی نبود. صاحب مسافرخانه مسافران زیادی داشت؛ آنان همگی رفتند و یادشان نیز محو شد؛ اما او مهم‌ترین مسافر جهان را از دست داد. اگر اجازه می‌داد که این مسافر نزد او بماند، همه چیز برای همیشه برای او عوض می‌شد.

کریسمس برای ما خادمین مسیح چه

جوشِ غرورِ جوانی !!!

نوشته کشیش نینوس مقدس‌نیا

حرف می‌زنید!
۲- خادمِ مغرور، در حالات و تصمیمات خود هم نامتعادل است، درست مانند هر نوجوانی در آن دوران بحرانی زندگی خود. یک روز، یک چیز را مهم و اساسی می‌داند، و روز دیگر، چیز دیگری را. گاهی مسأله خاصی را با اصرار بر کلیسا تحمیل می‌کند، ولی بعد که نتیجه‌ای نگرفت یا همه چیز عکس آن چیزی شد که فکر می‌کرد، بی‌سر و صدا حرفش را عوض می‌کند. غرورش هم اجازه نمی‌دهد که اشتباهش را ببیند و از خود انتقاد کند.

۳- از مهم‌ترین نشانه‌های غرور «جوانی روحانی»، بی‌اعتنایی نسبت به مشایخ و رهبران مسن و مجرب کلیسا است. شبان دچار بیماری غرور، حرف و نظر خود را وحی مُنزَل می‌داند. از نظر او، همه ریش‌سفیدان و ایمانداران بسابقه عضو کلیسا، در اشتباه‌اند و از رده خارج! تنها اوست که از آسمان افتاده و یک‌تنه می‌تواند همه دنیا را عوض کند!

۴- اوضاع نامتعادل کلیسا هم می‌تواند نشانه

بیشتر سعی در این دارند تا خادمان جوان و با اعتماد به نفس و از خود راضی تولید و به‌کار بگمارند. کمتر کسی متوجه است که چنین شبانانی، در نهایت دچار بیماری خطرناک غرور می‌شوند و در بلند مدت، به کلیسا آسیب می‌رسانند.

نشانه‌های بیماری

۱- غرور همچون جوش یا چراغ خطر قرمز-سفید رنگی در چهره ما پیدا می‌شود. شاید خودمان متوجه نباشیم، اما دیگران می‌توانند غرور «جوانی روحانی» را در حالات اعضای صورت‌مان ببینند. این اواخر صورت خود را در آینه کتاب مقدس دیده‌اید؟ آیا وقتی راجع به خود و کلیسایتان صحبت می‌کنید، ابروی چپتان به‌طور محسوسی بالا می‌رود؟! یا وقتی درباره کلیسای دیگری اظهار نظر می‌کنید، چشمانتان با حالت تحقیر آمیزی تنگ می‌شوند؟! در صحبتتان راجع به سایر همکارانتان چطور؟ اگر کمی دقت کنید، شاید در چنین مواقعی لب پاینتان کج می‌شود و بالحن تمسخر آمیزی

در یکی دو دهه اخیر، جوانان بسیاری در کلیساهای مختلف، وارد خدمت خداوند شده‌اند. این از سویی مایه برکت و پیشرفت کلیسا شده، و از سویی دیگر، اکنون با نسلی از شبانان تازه‌کار و گاه غزه به خود رو به‌رو هستیم. مایه مسرت است که می‌شنویم در بسیاری از شهرهای اروپا و آمریکا، کلیساهای ایرانی تأسیس و با موفقیت مشغول فعالیت‌اند. اما گاه اخبار منفی هم به گوش می‌رسد از خادمان جوان و تازه‌کاری که از گرد راه نرسیده، خود را کشیش و شبان (و بلکه بالاتر!) نامیده‌اند و پس از اندک پیشرفتی، با غرور بی‌جای خود، همه چیز را خراب کرده و باعث لطمه خوردن کلیسا شده‌اند. همین باعث می‌شود که در ذهن کسانی که هنگام اقامت در ایران با کلیساها آشنایی نداشته‌اند، تصور بدی نسبت به کلیسا و مسیحیت به وجود آید. آنان، مسیحیتی سطحی و سبک، با کشیشانی کم‌تجربه را تجربه می‌کنند.

شاید الگوهای غربی، واعظان گستاخ و پررو را موفق نشان دهد، اما قطعاً این الگویی کتاب مقدسی نیست. مدیران کلیساهای امروزی،



وجود این بیماری در ما باشد. ممکن است اعضا تا مدتی شبان از خود راضی خود را تحمل کنند، اما روزی بالاخره منفجر خواهند شد. ممکن است نوایمانان هم تا چند وقت خود را متقاعد کنند که شبان هر چه گفت باید بی چون و چرا از او اطاعت کرد، ولی حتی اینان هم نهایتاً متوجه خواهند شد این همه غرور و تحکم و خود-برتر-بینی، آن چیزی نیست که مسیح و مسیحیت تعلیم می دهد.

عواقب خطرناک بیماری

«تکبر، پیشرو هلاکت است، و دل مغرور، پیشرو خرابی» (امثال ۱۶:۱۸). هیچ چیز به اندازه غرور نمی تواند مخرب باشد. اولین گناه، همین غرور بود که باعث سقوط شیطان، و به تبع آن، سقوط انسان گردید. غرور، نه فقط رابطه ما با خدا، بلکه رابطه ما با یکدیگر را هم بر هم می زند.

روابط بین‌الکلیسایی هم لطمه می خورد. یک شبان مغرور، یقیناً رابطه خوبی با همکاران خود در سایر کلیساها نخواهد داشت. اصولاً اشخاص مغرور و متفرعن، غیر قابل تحمل هستند.

شبان مغرور به قدری از خود مطمئن و متشکر است که اصلاً متوجه نیست که با دست خود دارد کلیسای خدا را از هم می پاشد.

راه درمان

غرور یکی از «هفت گناه مهلک» است؛ پس باید به فکر علاج عاجلی برای آن بود.

هیچ چیز به اندازه یک جوش درشت سرسفید، نمی تواند چهره روحانی شما را از شکل و زیبایی بیندازد. دوران نوجوانی تان را به یاد دارید که چطور جلو آینه، جوشهای صورتتان را فشار می دادید و درد را تحمل می کردید تا از شر آن جوشهای زشت خلاص شوید؟ الآن هم جلو آینه کتاب مقدس بایستید و جوشهای غرورتان با فشار از خود بیرون کنید. شاید کمی دردناک باشد، اما در عوض چهره تان زیباتر می شود. و به خاطر داشته باشید که جای جوش، تا مدتها در صورت باقی می ماند. پس زودتر دوره «جوانی روحانی» را با خامی و غرور بی جای سپری کنید، چون زیباترین چهره، همان چهره ملایم و فروتن یک فرد جاافتاده است.

در پی اصلاح روابط خود با اعضای کلیسا باشید. عذرخواهی، اعتراف به اشتباه خویش، تعریف از سایر کلیساها و خادمان خدا، نه فقط از ارزش شما نمی کاهد بلکه باعث افزایش احترامتان نزد اعضای کلیسایتان می شود. همیشه با خود تکرار کنید: «من خادم کلیسا هستم، نه ارباب آن». به مردم، با همه اشکالات و ایرادهایی که دارند، احترام بگذارید و خود را از آنان برتر ندانید.

کمی بیشتر صبور باشید. اجازه دهید خدا به طور طبیعی شما را در کلیسا بالا ببرد. بزرگان کلیسا را کنار نزنید و جای دیگران را نگیرید. در مورد خود و کارهایتان زیاد صحبت نکنید. اجازه دهید توانایی هایتان به مرور زمان جلوه کنند. کلیسا و سلسله مراتب روحانی آن باید تشخیص دهد که شما یک مبشر ساده اید، واعظ هستید، و قتش شده که به مقام کشیشی دستگذاری شوید، و یا شبانی مجرب شده اید که

صلاحیت اداره کلیسا به نحو احسن را دارید. یادتان باشد در ایمان مسیحی، این آخرین هستند که اولین می شوند.

برای هر کاری که به شما سپرده می شود آماده باشید. اجازه ندهید کارهای جاه طلبانه، هوش و حواس شما را بریاید. تمرین خوبی است اگر بکوشید علاوه بر کارهایی که پیش نظر و روی منبر انجام می دهید، پشت صحنه هم فعال باشید و هیچ خدمتی را عار و دون شأن خود ندانید. مسیح خداوند، با شستن پای شاگردان، ما را نمونه فروتنی شد (یوحنا ۱۳:۱۲-۱۷).

خلاصه اینکه

خادمان و شبانان جوان و عزیز، نگذارید با حرکات بچگانه و غرور بی جا، دیگران جوانی شما را حقیر بشمارند. شما جوانان، «توانا هستید و کلام خدا در شما ساکن است و بر شریر غلبه یافته اید» (اول یوحنا ۲:۱۴). بر همه این مزیت های جوانی، معرفت و تواضع سن کمال را هم اضافه کنید. این نکات در مورد خادمینی که سنین جوانی را پشت سر گذاشته اند، اما از نظر تجربه «جوان» هستند، نیز صدق می کند. پس «همچنین ای جوانان، مطیع پیران باشید، بلکه همه با یکدیگر، فروتنی را بر خود ببندید. زیرا خدا با متکبران مقاومت می کند و فروتنان را فیض می بخشد. پس زیر دست زورآور خدا فروتنی نمایید تا شما را در وقت معین سرافراز نماید» (اول پطرس ۵:۵-۶).

اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو (تیطس ۱:۲)

وعده‌هایی ندهیم

که خدا نداده است!

نوشته آرمان رشدی

مقاله دوم: آیا خدا وعده سعادت و پیروزی مطلق داده است!

همواره ما را در پیروزی مسیح سهیم می‌سازد...» (ترجمه تفسیری).

واقعیت رنج و مصیبت

تورات موسی مسأله سعادت و رنج را به‌طور ساده مربوط می‌سازد به اطاعت انسان از خدا. مطیعان از تمام مواهب برخوردار خواهند شد و نامطیعان از لعنت‌ها، اما فراموش نکنیم که تورات ابتدای مکاشفه خدا به بشر بود، بشری که از نظر روحانی هنوز بسیار طفل بود. اما به تدریج که مکاشفه الهی پیش می‌رود، در کتاب‌های بعدی عهدعتیق شاهد آنیم که برای وجود درد و رنج در زندگی بشر علل دیگری مطرح می‌شود. برای مثال، ایوب رنج می‌کشد اما نه به دلیل ناطاعتی، بلکه در اثر یک آزمایش ایمان. در کتاب جامعه،



پیروزی و وفور برکات و تندرستی کامل و دائمی، و بدور از هر مشکلی زندگی کنند؟ آیا خدا در کتاب مقدس چنین وعده‌ای داده است؟

وعده‌های پیروزی

در کتاب مقدس بخشهایی هست که وعده می‌دهند که ایمانداران به شرط ایمان و اطاعت، از برکات مادی و معنوی خدا بهره‌مند خواهند شد. از میان بسیاری از این بخشها، کافی است فقط به چند نمونه اشاره کنیم: فصل ۲۸ کتاب تثنیه و مزمور ۹۱ و مزمور ۱۰۳ و اشعیا فصل‌های ۴۰ به بعد. برای مثال، در مزمور ۱۰:۹۱ می‌فرماید: «هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد و بلایی نزد خیمه تو نخواهد رسید.» در عهدجدید تعداد این قبیل بخشها کمتر است، اما از میان آنها می‌توان به آیاتی نظیر یوحنا ۱۲:۱۴ و رومیان ۸:۲۸ و دوم قرنتیان ۱۴:۲ و ۱۰:۴-۶ و فیلیپیان ۴:۴ اشاره کرد. برای مثال در دوم قرنتیان ۱۴:۲ پولس رسول می‌فرماید: «اما خدا را شکر! چون

در شماره گذشته، در نخستین مقاله از این مجموعه، در این زمینه بحث کردیم که آیا خدا وعده داده که همه دعا‌های ما را برآورده سازد. گفتیم که خدا به هر دعایی «پاسخ» می‌دهد؛ به برخی پاسخ مثبت می‌دهد و به برخی دیگر پاسخ منفی، و انجام بعضی دیگر از خواسته‌ها را به بعد موکول می‌کند.

در این شماره، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که آیا خدا به ایمانداران وعده سعادت و پیروزی و شادی و زندگی بدور از مشکلات داده است یا نه. در این مقاله، به آیات متعددی اشاره خواهیم کرد، اما به علت کمبود جا، از نقل قول همه آنها اجتناب می‌کنیم و از خوانندگان گرامی خواهش می‌کنیم که خودشان آیاتی را که مشخص می‌کنیم بخوانند.

وعده خدا چیست؟

آیا خدا وعده داده است که ایمانداران در این جهان بطور مطلق در سعادت و شادی و



برخی دلایل روان‌شناختی و فلسفی برای رنج عنوان می‌شود. در چندین مزمور از خدا سؤال می‌شود که چرا عادلان باید رنج بکشند (برای مثال، مزامیر ۳۷ و ۷۳). در مزمور ۷۳ سراینده می‌فرماید: «اما من نزدیک بود ایمانم را از دست بدهم و از راه راست گمراه شوم، زیرا بر کامیابی بداران و شروران حسد بردم. دیدم که در زندگی آنها درد و رنجی وجود ندارد... پس آیا من بی‌جهت خود را پاک نگه داشته‌ام...؟ نتیجه‌ای که هر روز از این کار عاید می‌شود، رنج و زحمت است» (ترجمه تفسیری).

در عهدجدید، خدا بشر را بالغ به حساب آورده، بی‌پرده به او می‌گوید که پیروی از او همراه با رنج و مصیبت و حتی مرگ خواهد بود، اما در آخرت ایمانداران را راحت خواهد بود. عیسی مسیح مفهوم انکار نفس را مطرح کرد (متی ۱۶:۲۴) که این خود به تنهایی رنجی عظیم را برای مؤمنین واقعی به همراه دارد. او پیروان واقعی خود را فرا خواند تا از «در تنگ داخل شوند و راه دشوار را بسپمایند» (متی ۱۳:۷ و ۱۴). او خود راه صلیب را پیمود و پیروان خود را نیز فرا خواند تا همان را در پیش گیرند. پولس رسول به مصیبت‌ها و رنج‌های خود افتخار می‌کرد (رومیان ۳:۵ و دوم قرنتیان ۹:۱۲). او می‌گوید که هیچ مصیبتی در این جهان قادر نیست ایمانداران واقعی را از محبت مسیح جدا کند (رومیان ۸:۳۵-۳۹) که این خود گواهی است بر وجود مشکلات و مصائب در این جهان برای ایمانداران. در این خصوص آیات بسیار است (برای مثال، ر.ش. یوحنا ۱۶:۳۳؛ اعمال

۲۲:۱۴؛ فیلیپیان ۲:۲۷؛ دوم قرنتیان ۱:۴-۱۰؛ ۴:۸-۱۱؛ اول پطرس ۱:۴ و ۱۲-۱۶). نقطه اوج این آیات، مکاشفه ۴:۲۱ است که وجود رنج در این جهان را تأیید کرده، راحت ایمانداران را به آخرت موکول می‌کند؛ می‌فرماید: «خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا چیزهای اول در گذشت.»

نقطه تعادل

پس چه بگوییم؟ آیا در کتاب مقدس در این زمینه تناقض وجود دارد؟ نه! همانطور که در شماره گذشته مطرح کردیم، هر دو دسته آیات را باید با توجه به یکدیگر مد نظر قرار دهیم و به نقطه تعادل برسیم.

و نقطه تعادل این است که خدا ایمانداران را از خطر حفظ می‌کند اما نه همیشه (ماجرای شهید شدن یعقوب و نجات پطرس در اعمال ۱۲)؛ خدا شفا می‌دهد اما نه همیشه (دوم قرنتیان ۱۲:۹ و ۹:۸؛ دوم تیموتاؤس ۴:۲۰)؛ خدا زندگی ما را از نظر مادی برکت می‌دهد اما نه همیشه (فیلیپیان ۴:۱۲)؛ به ما شادی می‌دهد اما نه همیشه (فیلیپیان ۲:۲۷ قسمت آخر آیه)؛ خدا پیروزی می‌دهد اما نه همیشه (دوم قرنتیان ۴:۸-۱۱؛ ۶:۴-۱۰).

به عبارت کلی‌تر، ملکوت خدا با آمدن مسیح شروع کرد به برقرار شدن، اما هنوز به کمال نرسیده است. کمال آن در آخرت خواهد بود. ما نیز در پیروزی مسیح شریک شده‌ایم اما هنوز نه به‌طور کامل؛ کمال آن در آخرت خواهد بود!

نتیجه

پس همسنگران عزیز، بسیار مراقب باشیم که «سخنان شایسته تعلیم صحیح» را به شنوندگان خود بگوییم (تیبس ۲:۱). به شنوندگان خود وعده‌هایی ندهیم که خدا نداده است. به شنوندگان خود وعده‌هایی از جانب خدا ندهیم که مردان مقدس و برگزیده خدا در کتاب مقدس نیز تماماً و دائماً در آن زندگی نمی‌کردند. و بالاخره به شنوندگان خود وعده‌هایی را از جانب خدا ندهیم که در زندگی خودمان هم به‌طور کامل و به‌طور دائمی عملی نشده و نمی‌شود!

وعده سعادت و پیروزی مطلق در این جهان اختراع برخی از واعظین ناآگاه غربی در قرن بیستم است؛ چنین تعلیمی در هیچ مقطعی از تاریخ کلیسا سابقه نداشته است! ایشان چنین تعلیمی را بعضاً از روی ناآگاهی و بعضاً عمداً برای جذب مردم به گروه‌های خود ابداع کردند. نتیجه چنین تعلیمی جز سرخوردگی و نهایتاً لغزش ایمانداران چیزی نبوده و نیست. ولیکن باشد که ما نه افراط کنیم و نه تفریط. نه وعده سعادت مطلق را در این جهان بدهیم، و نه مؤمنین را از هر نوع معجزه‌ای مأیوس کنیم. باشد که به تعادل تعلیم دهیم. خدا به ما وعده معجزه داده است. معجزه هست، اما نه همیشه. اگر معجزه دائماً رخ می‌داد که دیگر نامش را معجزه نمی‌گذاشتند؛ می‌شد «روال عادی زندگی».

باشد که ما «کلام صحیح بی‌عیب» را تعلیم دهیم (تیبس ۲:۸) و تعلیم خداوند خود عیسی مسیح را در تعادل، بدون افراط و تفریط بیان کنیم. آمین! ■

طرح کلی برای تهیه موعظه

از تَت استیوارت

خدا با ما

«اینک با کره آبستن شده، پسری خواهد زایید
و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما»
متی ۱:۲۳

امسال برای کریسمس، یکی از موعظه‌های چارلز اسپر جان، واعظ معروف قرن نوزدهم را که به همین مناسبت ایراد کرد، انتخاب کرده‌ام.

(رومیان ۸:۳۸-۳۹).

● یعنی اینکه خدا آمد تا در رنجهای ما شریک شود (عبرانیان ۱۴:۴-۱۶)

● یعنی اینکه خدا آمد تا از طرف ما بر مرگ چیره شود و ما را از حیات جاودانی مطمئن سازد (مکاشفه ۱:۱۷-۱۸).

۱- مقدمه

آیه فوق نشان می‌دهد که در کریسمس، خدا آن جدایی را که میان او و انسان بود برداشت. این جدایی ریشه در گناه دارد و آن را می‌توان در بدبختی‌هایی که در اطراف ما هست مشاهده کنیم.

۳- ما چگونه می‌توانیم با خدا باشیم؟

● مانند فرشتگان، ظهور او را با شادی بپذیریم (لوقا ۲:۱۳-۱۴).

● به بیت لحم برویم و مانند شبانان با چشمان خود ببینیم (لوقا ۲:۱۵).

● مانند مجوسیان مسیح را بپرستیم (متی ۲:۱۱).

● مانند شبانان برویم و این خبر خوش را به دیگران بگوییم (لوقا ۲:۲۹).

۲- «خدا با ما» یعنی چه؟

● یعنی اینکه خدا طبیعت انسان بر خود گرفت و مانند ما شد (فیلیپیان ۲:۶-۷). او انسان شد. او هم خداست و هم انسان.

● یعنی اینکه خدا آمد تا ما را از گناه رهایی دهد (مرقس ۱۰:۴۵).

● یعنی اینکه خدا آمد در ما در تمامی مشکلات زندگی یاری دهد

چند آگهی

I.C.I.
P.O. BOX 25607
Colorado Springs
CO 80936
USA
Fax: +1-719- 574 11 41

یا مستقیماً با گروه «براشیت» با ای‌میل زیر:

sargond@brasheetmusic.com

تماس حاصل بفرمایید.

سرودهای پرستشی

خواهران و برادران آشوری ما در گروه «براشیت» (Brasheet) نخستین سی‌دی سرودهای پرستشی خود را به زبان فارسی تهیه کرده است. عنوان این سی‌دی هست: «شهر ما».

جهت خرید این سی‌دی می‌توانید با مؤسسه آی‌سی‌آی به نشانی زیر:

مجله شبان بر روی اینترنت

به همت برادر گرامی، آقای دکتر امیر حکمت‌پور، اینک تمامی شماره‌های مجله شبان بر روی اینترنت موجود می‌باشد.

برای دسترسی به این شماره‌ها، می‌توانید به این سایت مراجعه بفرمایید:

www.farsinet.com